

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

فرستنده: ناتور رحمانی

اول اکتوبر ۲۰۱۲

برگی دیگر

از یادداشتهای روانشاد رحمانی صاحب بزرگ

عزیزم ! تو بیهوده خود را در عالم مسافری رنج می دهی ، یکی دو روز زندگی را غنیمت شمار ، همیشه شاد و خندان باش ، قراری که تو را از نزدیک دیدم هرگز پیر نمی شوی ، زیرا شهامت و انساندوستی تو هنوز در دیده من مثل گذشته ها که تو را دیده بودم در حال کمال است ، خوشحالم که عوض نشده ای .
متوجه باش عمر هرچه باشد مال فردا نیست ، مال همین امروز است ، زیرا کسی از فردا خبر ندارد ، وقت را در انتظار بیهوده تلف نکن ، خودت را به خدا بسپار و بدان از آن اندازه خوشبختی که برای تو مقرر داشته اند برخوردار خواهی شد ، قسمی زندگی کن که از وجود نفعی بزرگ به دیگران برسد ، به یاد داشته باش که هیچ آفریده ای تنها زندگی نمی کند و وجود او فقط مال خودش نیست ، به انسان های نیازمند و رنج دیده کمک و معاونت کرده شریک غم آنها باش ، می دانی نزدیک ترین راه رسیدن به خدا شاد ساختن دل دیگران است ، نه به اندوه شان افزودن ، نان شادی های خود را با آنها تقسیم کن ، چنانچه گفته اند :

« گریسر نفس خود آمری مردی --- گر بر دیگری ستم نگیری مردی »

مردی نبود فتاده ای را پای زدن --- گر دست فتاده را بگیری مردی »

ای عزیز !

در زندگی با تمام مشکلات و رنج های طاقت فرسای آن، باید مجادله کرد تا کامیابی به دست آید ، مأیوس مباش ، کدام شادی است که با اشکهای غم آمیخته نباشد ؟ کدام هوس است که به پوچی نینجامد ، میان مردم این جهان خوشبخت کیست ؟؟؟

این دنیای فانی زود می گذرد ، و ما هرآنچه را با رنج فروان به دست می آوریم تبدیل به فنا می شود ، آیا در این زندگی چیزی است که پایدار و دایمی باشد ؟ نه هر چه است جز خاکستر و ظلمت ، جز شبح و رؤیا نیست ، هرچیز چون گردبادی به هوا می رود ... حال وضع دنیا داران دنیا دوست را ببین که برای جیفه دنیا چگونه بر مردم دنیا

جفا می کنند ، غافل هستند که در مقابل مرگ بیچاره اند ، در مقابل مرگ بازوی زورمندان ضعیف و اراده پادشاهان ناتوان است، آن گندیده های دوران روزی مُردار می شوند و جز کفن آلوده به تعفن خود چیزی دگری را از دنیا نخواهند بُرد.

سرفراز کسی است که مرگش به نیکوئی رسد ما با دیدگان فرو بسته لب برجام زندگانی نهاده ایم ، و چه اشکهای سوزانی که برکناره زرین آن نریخته ایم ، اما وقتی دست مرگ نقاب از دیدگان ما بردارد ، و هرآنچه را که مورد علاقه ما است بگیرد ، آنوقت می فهمیم که جام زندگانی از اول خالی بوده ، و ما از روز نخست از این جام جز باده خیال چیزی ننوشیده ایم .

«ساقیا عشرت امروز به فردا مفگن ---- یا ز دیوان قضا خط امانی به من آر»

« سعی نابرده درین راه بجائی نرسی --- مزد اگر می طلبی طاعت استاد ببر»